



همدان‌پیام: تپه تاریخی هگمتانه دربر دارنده لایه‌های متعدد تاریخی است که هر یک داستانی مستند از وقایع گذشته را به زبان می‌آورد.

آثار متعددی از تپه هگمتانه در حفاری‌های این تپه در سالیان سال به دنبال کاوش‌های متعدد به دست آمده است اما همه این آثار در حال حاضر در همدان نیست و این نقص دلیلی ندارد جز نبود یک موزه استاندارد.

به دلیل نبود موزه‌ای با استانداردهای تعریف شده تعداد شاخصی از آثار در موزه ملی ایران باستان در حال نگهداری است و تعدادی دیگر از اشیای مکشوفه که تاریخ کشف آنها به سال ۱۹۱۳ باز می‌گردد توسط فرانسوی‌ها به موزه لوور در پاریس برده شده است و این آثاری است که شاید تا به امروز همدانی‌ها از دیدن آنها در زادگاه خود محروم بوده‌اند.

موزه موقت هگمتانه در سال ۱۳۷۳ شمسی در میدان

۷ تیر، در شهر همدان افتتاح شد اما این موزه قرار نبود برای همیشه جایی برای به نمایش در آمدن آثار تاریخی همدان باشد. این موزه در شسرق تپه هگمتانه و در کنار گودال معروف فرانسوی‌ها قرار دارد. ساختمان موزه که قبلاً مدرسه پرورش نامیده می‌شد، در تغییرات و تعمیراتی برای ایجاد موزه موقت به بهره‌برداری رسید، اما پس از آنکه قرار شد موزه منطقه‌ای غرب کشور ایجاد شود همه دوسداران تاریخ و فرهنگ بر آن شدند تا لحظه‌ها را برای به دست آوردن یک موزه تمام و کمال در غرب کشور بشمارند.

■ **موزه غرب کشور داستان دنباله دار**

ایجاد موزه منطقه‌ای غرب کشور در همدان از جمله پروژه‌های شاخصی بود که اتمام آن به یک داستان دنباله‌دار تبدیل شده است. بر اساس اطلاعات موجود در منابع خبری مختلف، از سال ۱۳۸۵ که پیشنهاد احداث موزه منطقه‌ای غرب کشور قوت گرفت، مکان‌سنجی این پروژه در طرح مطالعات مسنجمی تعریف شد و ضلع غربی تپه هگمتانه پس از بررسی‌های کارشناسانه به دلیل صخره‌ای بودن منطقه و اینکه فاقد آثار تاریخی بود برای ایجاد این موزه انتخاب شد. در روند اجرایی این پروژه از ۴ سال پیش برای اتمام فازها با تعویض پیمانکار و جذب اعتبار دست به گریبان شد. ایجاد موزه منطقه‌ای غرب کشور که از مصوبات دور اول سفر رئیس‌جمهور و هیأت دولت به استان همدان است، چند سالی است روند کند اجرای آن بازیچه بهانه تلخ اختصاص نیافتن اعتبارات ملی است. روند اجرایی این پروژه در صورتی که اعتبارات لازم برای اجرا شدن آن به استان اختصاص یابد همدان را در آینده می‌توانند صاحب موزه‌ای کنند که پس از به نمایش گذاشتن داشته‌های تاریخی بر اعتبار و قدمت ۳ هزار و ۵۰۰ ساله هگمتانه خواهد افزود. با بهره‌برداری از این موزه همدان می‌تواند مرکزیت فعالیت‌های منطقه در حوزه باستان‌شناسی در کل کشور باشد. همچنین محل اصلی نگهداری کالاهای فرهنگی و اشیای با ارزش تاریخی استان‌های غرب کشور می‌تواند به همدان انتقال یابد.

روند تکمیل این موزه در حالی به طول انجامیده است که متولیان امور بر این اصل موافقت که ظرفیت‌ها و اشیای موجود در همدان به حدی هست که بتوان موزه شاخصی را با نوع نگرش و تخصص باستان‌شناسی در همدان ایجاد کنیم.

حتی مدیر کل میراث فرهنگی تأکید کرده بود که با

## تاریخ همدان در انتظار یک جای امن

■ **داستان دنباله‌دار موزه منطقه‌ای غرب کشور ادامه دارد**

معاونت میراث فرهنگی و موزه ملی ایران صحبت‌هایی مبنی بر اینکه وقتی فضای مناسب موزه منطقه‌ای غرب کشور در همدان فراهم شد، اشیای متعلق به همدان را از موزه ملی به همدان انتقال دهیم، صورت گرفته است. اما با تمام نیازی که به این فضا در همدان هست اما هنوز موزه اندر خم جذب اعتبارات است.

■ **میزبانی از آثار مکشوفه فضای تخصصی را در**

**همدان رقم می‌زند**

یک تاریخ‌شناس معتقد است: بازگرداندن آثار مکشوفه تاریخی به زادگاه خود موجب می‌شود فضای مطالعه تخصصی، سمینار، برگزاری تورهای تاریخ شناسی و مروری بر تاریخ آن دیار شکل گیرد.

سعید پیرتاج می‌گوید: همدان، پایتخت تاریخ و تمدن ایران زمین گنجینه‌ای ارزشمند از بناها و یادگارهای دوران گذشته است که قلم زدن در این دیار و تماشای آن، تاریخی از آنچه در ایران گذشته را روایت می‌کند.

بنای شهر همدان را که به نام‌های اکیانان، هگمتانه، آنادانا و همدانا معروف است به دیاکو پادشاه ماد نسبت می‌دهند؛ چراکه براساس متون تاریخی، شهر همدان در زمان فرمانروایی بخت‌النصر ویران شد و بعدها داریوش بزرگ آن را مرمت کرد.

در زمان اشکانیان که تیسفون پایتخت کشور بود همدان پایتخت و اقامتگاه تابستانی شاهان اشکانی شد و پس از اشکانیان، ساسانیان نیز قصرهای تابستانی خود را در این شهر بنا کردند.

خرابه‌های باروی قلعه اشکانی بر فراز تپه مصلا و مجسمه شیرسنگی یکی از دروازه‌های همدان از آثار این دوره است. شهر همدان به علت قرار گرفتن در مسیر راه‌های اصلی منطقه غرب ایران در قرن‌های اخیر همواره از نظر بازرگانی مورد توجه بوده و در مسیر جاده ابریشم قرار داشته است که این شرایط همدان را گنجینه‌ای از آثار بر جای مانده از تاریخ کرده است که حفاظت از آن و معرفی این دارایی‌های ارزشنده تاریخی امروز بر عهده ماست که برای تحقق این امر باید تدابیری اندیشید که کارآمد باشد. وی ایجاد موزه منطقه ای غرب کشور را برای به نمایش گذاشتن این

■ **موزه غرب کشور داستان دنباله دار**

اگر مسئولان کشوری به پایتخت تاریخ و تمدن ایران زمین بودن همدان اعتقاد واقعی دارند باید اعتبارات لازم را برای اتمام پروژه تخصیص دهند

پیام تاریخ، تمدن و فرهنگ مادستان

پیام آدینه

پیام آدینه ۲۲۷ سال پنجم تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

ضمیمه شماره ۱۹۵۷ همدان‌پیام ۸ صفحه رایگان ISSN: 2322 - 4673

پنجشنبه ● ۲۱ آذرماه ۱۳۹۲

# یک صده کاوش

■ **هگمتانه ۳۰۰۰ ساله فاستگاه تمدن آریائی است**



طرح: همدان پیام - محمود نظری

نقل از مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

استان این پروژه به اعتباری بالای ۱۲ میلیارد تومان نیاز دارد تا تکمیل شود.

بر اساس بررسی‌ها در نخستین مراحل اجرایی این پروژه، موزه منطقه‌ای غرب کشور دارای مخزن امن نگهداری اشیای تاریخی در غرب کشور خواهد بود که در کنار آن نیز موزه غرب کشور ایجاد خواهد شد. که حالا با جذب این اعتبار و تسریع در روند اجرایی پروژه اشیای تاریخی واجد ارزشی که به همدان متعلق است از موزه ملی ایران به همدان منتقل می‌شود.

علیرضا ایزدی افزود: گنجینه و مخزن امن اشیای موزه شامل کارگاه مرمت اشیای تاریخی، کارگاه آموزشی و بخش نگهداری اشیای تاریخی در غرب کشور خواهد بود.

■ **موزه غرب کشور باز مانده سفر اول هیأت دولت دهم**

این موزه که طرح مطالعاتی آن از سال ۱۳۸۵ آغاز شده از جمله پیشنهاداتی بود که با سفر اول هیأت دولت دهم به همدان تصویب شد. موزه منطقه‌ای غرب کشور در زمینی به مساحت ۲ هزار مترمربع زیربنا و در ۵ طبقه در سال ۱۳۸۶ وارد کار اجرایی خود شد.

بنا به گفته اسدالله... بیات، مدیر سابق میراث فرهنگی همدان، ۲ بهرام سال گذشته در نخستین سفر هیأت دولت به همدان پس از مصوب شدن این پیشنهاد ۷ میلیارد و ۳۳۰ میلیون تومان برای اجرای این مصوبه در نظر گرفته شد که در سال‌های گذشته تنها ۲/۵ میلیارد تومان اعتبار برای اجرای پروژه جذب شده است.

اما نشوآورد حاکی از این است که این پروژه عظیم سال‌هاست به دلیل تغییر پیمانکار و تخصیص نیافتن اعتبارات هنوز پیشرفت مطلوبی در بر نداشته است. این موزه که در مساحت ۲ هزار مترمربع تعریف شده است در حالی که قرار است در ۵ طبقه نمایان شود از سال ۱۳۸۶ که وارد مراحل اجرایی شده است پس از گذشت ۶ سال از جمله پروژه‌هایی است که باید در انتظار جذب اعتبارات مطلوب و پیمانکار متعدد در دولت یازدهم باشد؛ چه بسا نگاه مدیرانه مدیر ارشد استانی این بار تکاپویی بر روند مارااتی این پروژه القا کند.

■ **موزه غرب کشور هگمتانه را معرفی می‌کند**

سیروس محمدزاده کارشناس ارشد باستان شناسی معتقد است: این موزه منطقه‌ای در صورت کامل شدن قادر است کل اشیای مکشوفه که حاصل کاوش‌های باستان‌شناسی در غرب کشور است را به علاقه‌مندان معرفی کند و به دلیل قرار گرفتن موزه در مجاورت سایت تاریخی هگمتانه می‌تواند بیش از پیش بر قدمت تاریخی هگمتانه تأکید کند.

وی تأشدر به اینکه گنجینه موزه منطقه‌ای غرب کشور مکشوفه همدان که به دلیل موقت بودن موزه فعلی هگمتانه در همدان نگهداری نمی‌شوند به استان باز گردد از نگاه این کارشناس ظرفیت‌ها و اشیای موجود در همدان به حدی هست که بتوان موزه شاخصی را با نوع نگرش و تخصص باستان‌شناسی در استان ایجاد کرد. محمدزاده تأکید کرد:

وقتی فضای مناسب موزه منطقه‌ای غرب کشور در همدان فراهم شد، اشیای متعلق به همدان را مسئولان می‌توانند با ریزینی‌هایی با مسئولان کشوری از موزه ملی به همدان انتقال دهند.

**مروری بر یک دهه واقعه در تپه تاریخی**

## هر دم از این باغ بری می‌رسد



همدان‌پسام: هگمتانه‌ای که روزی به‌ خاطر محل تجمع اقوام مختلف هگمتانه شد در ۱۰ سال اخیر بیشترین مکان برای تجمع ایده‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی شد که هر یک موجب شد تَرکی بر پیکر تاریخی این تپه باستانی ایجاد کند. وی تضاد رنگ نارنجی با فضای تاریخی هگمتانه را نوعی فاجعه منظری توصیف کرده بود.

کاروش‌ها دامن تاریخی آن را نگرفته بود، به یک برآمدگی ۴۰ هکتاری خلاصه می‌شد که تنها محل فرورفته‌اش همان گودال مشهور فرانسوی‌ها بود که توسط باستان‌شناسان خارجی بر فراز چاله شتر خواب ایجاد شد.

■ **سازدهای فلزی نارنجی و سایبان تاریخ هگمتانه**
به دنبال کاوش ۱۱ فصلی دکتر محمدرحیم صراف و نمایان شدن شهر شطرنجی هگمتانه در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۹ میراث فرهنگی همدان در سال ۱۳۸۸ تصمیم گرفت تا با سازه‌های فلزی سالی را به منظور پوشش کامل کارگاهی بر فراز تزارشه‌های باز ایجاد کند. بنا بر گزارش‌های موجود بیش از ۵۰ درصد طرح با هزینه ۳ میلیارد ریالی تا شهریور آن سال به انجام رسیده بود که عملیات اجرایی طرح ناگهان متوقف شد.

■ **خاک‌برداری، تسطیح، سنگچینی**
بتن‌ریزی و نصب بخشی از سازه‌های فلزی از جمله اقداماتی بود که در این مرحله روی تپه باستانی هگمتانه انجام شد. اما فعالیت‌هایی چون ایجاد سازه‌های فلزی دستانی نبود که به همین جا ختم نشود؛ بلکه در آن زمان باستان‌شناسان متعددی به شکل‌گیری این سازه‌ها بر فراز هگمتانه معترض شدند.

این اعتراض به گونه‌ای بود که دکتر محمدرحیم صراف در گفتگو با مهرشهری آنلاین در این زمینه گفته بود "هر طرحی که روی تپه باستانی هگمتانه می‌خواهد به انجام برسد باید به تصویب شورای باستان‌شناسی برسد و اینطور نیست که هر کس خواست حق داشته باشد، سوله‌ای بر فراز آثار تاریخی بسازد."

وی حتی تخریب برخی از آثار تاریخی هگمتانه را پس از نصب سازه‌های فلزی دلیل بی‌برنامه انجام شدن کار در این محوطه تاریخی عنوان کرده بود و تأکید کرده بود نصب این سازه‌ها از لحاظ فنی و مرمتی اشکال دارد.

■ **دانشگاه میراث در مدرسه ارامنه**

روزها به همین ترتیب در سال‌های اخیر می‌گذشت و سبیری شدن ایام به جای آنکه به قدمت سایت تاریخی هگمتانه غنا بخشد، همگام شدن این تپه با وقایع و تصمیم‌گیری‌های به‌روز تا به جایی جدی شده بود که تاریخ زدوده می‌شد.

در همان اوایل سال ۱۳۸۹ بود که میراث فرهنگی همدان تصمیم گرفت دانشگاه علمی کاربردی "میراث فرهنگی" را در مدرسه تاریخی ارامنه که کنار کلیسای گریگور این سایت تاریخی قرار گرفته بود را ایجاد کند.

این دانشگاه که ایجاد شد فضای قدیمی مدرسه به گونه‌ای امروزی همچون سنگفرش‌های سرامیکی در کف آماده شد تا محل ترددی باشد برای دانشجویان رشته‌های گردشگری، هتل داری و حتی معماری. به دنبال این تغییرات خانه کشیش و کلیسا هم به نمازخانه و دفتر مدیریت دانشگاه تغییر کاربری داد و باز هم ابراز نگرانی دوستاندار میراث فرهنگی و باستان‌شناسان به جایی برنخورد و متولیان امور را نگران نکرد.

■ **نصب دکه بستی فروشی مقابل کلیسای گریگور**
میراث فرهنگی همدان در یک تصمیم‌گیری بر آن شد تا دکه بستی‌فروشی را در حریم درجه یک کلیسای گریگور استپانوس هگمتانه ایجاد کند. اینگونه شد که دکه بستی‌فروشی فلزی با تبلیغات رنگارنگ و برندهای مختلف سیمای تاریخی کلیسا را در تصاویر مخلوش کرد.

این در حالی بود که باستان‌شناسان حوزه میراث فرهنگی بر این اصل استوار بودند که کلیسای ارامنه گریگسوری به عنوان یکی از نمونه‌های شاخص از گذشته تاریخی و مذهبی شهر همدان است و جزو آثار تاریخی منحصر به فرد اقلیت‌های مذهبی در استان همدان محسوب می‌شود و این بنا نشانگر حضور متمادی این اقلیت‌ها در همدان است.

در ادامه این تغییر و تحولات نوروز ۱۳۹۲ گردشگران بار دیگر در کمال ناباوری شاهد گسترانده شدن سفره ۳۰۰ متری هفت‌سین بر فراز هگمتانه‌ای

### سیام آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

### سیام آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

### فرهنگ و اعتقادات در هگمتانه ۳ هزار ساله

✎ سمیرا عبدالملکی

همدان‌پام: هگمتانه، هگمتانه یا محل تجمع نامی است آشنا در تاریخ مردمان ایران زمین، این نام گره خورده با تپه‌ای است که به نقل از تاریخ‌نویسان بزرگ همچون هرودوت در غربی‌ترین مکان در فلات ایران جا خوش کرده است.

تپه امروز هگمتانه براساس نوشته‌های تاریخ‌نگاران نخستین پایتخت از اولین حکومتی بوده است که در ایران انتخاب می‌شود و این مکان جایی است که مدنیت و فرهنگ ایرانی در لابه‌لای آن ریشه دوانده است. گرچه هنوز این مهم به اثبات نرسیده است که هگمتانه پایتخت مادها است اما آثار و نتایج مطالعات تا به امروز ما را دلخوش به اثبات این ادعا نگاه داشته است.

هگمتانه تپه‌ای باستانی با قدمتی ۳ هزار ساله است. مساحت این تپه حدود ۴۰ هکتار است که در قسمت شمالی و در بافت قدیمی شهر همدان واقع در انتهای خیابان اکباتان قرار دارد.

هگمتانه به معنای «جای بهم آمدگان» جای گردآمدگان است. شهر هگمتانه را اقوام آریایی ماد و فرس‌ها بنا نهادند. پایتخت نخستین شاهنشاهی ایران است. هرودوت بنای آن را به دیاکو نخستین شاه ماد نسبت داده و در تاریخ خود نوشته

✎ علی هژیری

همدان‌پسام: یکصدمین سالگرد کاوش در همدان و آغاز هفته پژوهش آذماه سال جاری بهانه‌ای شد برای آنکه پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی اقدام به چاپ کتابی تحت عنوان "مجموعه مقالات باستان‌شناسی و تاریخ شهر همدان" به کوشش علی هژیری کارشناس میراث فرهنگی و دانش آموخته باستان‌شناسی نماید. همایش باستان‌شناسی در هفته یاد شده بهانه بزرگداشت محمدرحیم صراف نیز خواهد بود.

✎گاهی به مجموعه مقالات باستان‌شناسی و تاریخ

شهر همدان

هگمتانه تاریخ‌ی محلی تجمع اقوام در چند هزار سال پیش که ریشه رد مدنیت مردمان ایران‌زمین دارد همین‌گونه می‌گذشت که اخباری از آتش‌سوزی هگمتانه انعکاس یافت. در تاریخ ۱۶ تیرماه سال جاری خبرگزاری ایسنا در گزارشی خبر داد که ۴ هکتار از محوطه تاریخی هگمتانه در آتش سوخت. گرچه این اتفاق به تشریح و توضیح میراث فرهنگی همدان به دلیل از بین بردن علف‌های خشک بسر فراز هگمتانه رخ داد، اما تصویری نازای و دلهره‌ای ناخوشایند را میهمان دلهای دوستداران تاریخ و میراث فرهنگی کرد. آتش‌سوزی دوم به نقل از مدیرکل میراث فرهنگی در خبرگزاری میراث فرهنگی به دلیل رها شدن سیگار یکی از مسافران بر فراز تپه تاریخی بود.

به دنبال این اتفاق در تاریخ ۲۶ تیرماه امسال دکتر محمدرحیم صراف به خبر‌گزاری ایسنا عنوان کرده بود آتش‌سوزی دوم به نقل از مدیرکل میراث فرهنگی کلی نباید این اتفاق انجام می‌شد و دست زدن به چنین اقداماتی آن هم در محوطه‌های تاریخی اشتباه است. اما توضیحات و برنامه‌های اجرایی بیانگر آن بود که این تپه مدیانی برای به اجرا در آمدن برنامه‌های متفاوت برنامه‌ریزان است.

به هر ترتیب نگاهی به اتفاقات ناخوشایند بر فراز تاریخی‌ترین تپه در ایران بیانگر آن است که شاید هنوز این سایت تاریخی که به دلیل اهمیت صدچندان‌ش همواره مورد توجه باستان‌شناسان سراسر دنیا است؛ آنگونه که باید و شاید مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران وقت قرار نگرفته است. و تنها می‌توان ابراز امیدواری کرد که از این پس اتفاقاتی این چنینی بر فراز تاریخی‌ترین تپه این دیار رخ ندهد.

که این پادشاه هگمتانه را به پایتختی انتخاب کرد و در آن کاخ عجیبی که به صورت هفت قلعه بود ساخت که هر کدام درون دیگری قرار داشت و به تقلید از قصرهای بابلی هر دیسواری را به رنگی درآورد. این قصر حدود ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ اتاق داشت و آن را هگمتان محل اجتماع یا هگمتانه می‌خواندند. این قلعه به صورتی بود که کاخ پادشاهی و خزانه در درون قلعه هفتم قرار داشت. رنگ کنگره‌های قلعه اول سفید، دوم سیاه، سوم ارغوانی، چهارم آبی، پنجم نارنجی و کنگره‌های آخر طلایی و نقره‌ای بودند. پادشاهان مادها دیاکو، فرورتیش، هووخ شتر و اژی دهاک بود. در تاریخ ماد دو دوره متفاوت پیش از پادشاهی ماد و بعد از آن وجود دارد. تاریخ و فرهنگ ماد به دو دوره تقسیم می‌شود ۱. دوران مقدم ماد و پیش از استقرار سلطه‌ی کیش مغان ۲. دوره پس از پادشاهی آن طبقه و مرز میان این دو دوره پایان قرن هفتم پیش از میلاد است.

زندگی مردم نقاط دوردست غرب جبال زاگرس تحت تأثیر رسوم بابلیان قرار داشته است. در میان این‌ آداب و رسوم مطالعه تاریخ بیانگر این مهم خواهد بود که در آن زمان پوشش مردم و اقوام دارای شکل و تعاریف منسجم‌تری نسبت به دوره‌های بعد بوده است. در سمت شرقی این کوه‌ها لباس‌هایی پوشیده می‌شد که در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در بین لولویان معمول بود. روی نیم‌تنه و پیراهن آستین کوتاهی که تا زانو می‌رسید پوستی می‌آلداختند

و طرف دیگر آن را روی شانه چپ می‌آلداختند و گاهی هم پوست را از زیر کمرسند رد می‌کردند. ثروتمندان از پوست یوزپلنگ و فقیران از پوست گوسفند برای تهیه تن‌پوش‌هایشان استفاده می‌کردند. لباس مادها و قبیله‌های متحد ماد و مانتائیان به این صورت بود. از روی عکس‌های برجسته‌ای که روی سنگ‌ها کنده شده اینگونه برمی‌آید که مادها مردمی با قد متوسط بودند دارای موهای کوتاهی و شتل‌هایی از پوست گوسفند و یا پوست پلنگ بر تن داشتند و پوشش‌هایی ساقه بلند و بنددار را به پایشان می‌بستند. کلاه‌ی نوک‌تیز بر سر می‌گذاشتند که نواری پهن در جلوی پیشانی آنها بود و روی هم تا خورده و چین‌دار بود. ظاهراً در فصل سرد از پوست حیوانات و در فصل گرم از مواد و الیاف نباتی و گیاهی برای پوشش خود استفاده می‌کردند.

رسم انداختن پوست گوسفند بر شانه تا امروز هم در میان چوپانان مناطق کوهستانی همدان وجود دارد. موها را با نوار سرخی می‌بستند و ریش را می‌تراشیدند. در آغاز هزاره‌ی اول پیش از میلاد نیزه و سپر جزو سلاح‌های عادی و معمولی مادها بود بعدها نوعی به وجود آمد خنجر و شمشیر هم که آکیاک نام داشت به سلاح‌های آنها اضافه شد.

در آن دوران اسب ثروت عمده و سهم قبیله‌ها به شمار می‌رفت. از نظر هنری در آن زمان مفرغ و آهن به مرحله‌ی عالی رسیده بود. سنگ‌تراشی، سفال‌سازی و احتمالاً نساجی پیشرفت زیادی داشته

۱. تاریخ ایران باستان، نوشته حسن پیرنیا، عباس اقبال آشتیانی

۲. تاریخ ده هزار ساله ایران، عبدالعظیم رشایی

۳. تاریخ ایران از آغاز تا سقوط دولت پهلوی، دکتر عبدالعزیز زین‌کوب

۴. تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، رومن گبرسن

۵. تاریخ ماد، کریم کشاورز



ریاست وقت پژوهشکده باستان‌شناسی از ۲۸ آذرماه تا ۲ دی‌ماه ۱۳۸۰، تحقیقات ژئوفیزیک تپه هگمتانه را به انجام رساند. وی در گزارش خود ذکر کرده‌اند: به رغم پیچیدگی علمی- فرهنگی محوطه تپه هگمتانه، امکان‌اخذ نتایج مثبت از بررسی ژئوفیزیک وجود دارد.

(نامه‌مخبر ۱۳۸۰/۱۲/۲۸ به شماره ۸۵۸۹/۱۱/۲ از مسعود آذرنوش ریاست وقت پژوهشکده باستان‌شناسی

به حبیب ... رشیدیبگی، مدیر وقت پایگاه هگمتانه)
دور دوم کاوش‌های باستان‌شناسی، به سرپرستی مسعود آذرنوش، با هدف "رفع ابهام در گمانگاری تپه هگمتانه" در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ و با ایجاد چند کارگاه لایه ۱۱ هکتار از آذرنوش ریاست وقت پژوهشکده باستان‌شناسی به سرانجام رسید.

وی در سال ۱۳۸۵ به منظور پیشنهاد محل احداث موزه همدان در بخش شمالی تپه، گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم تپه را نیز سرپرستی نمود. آذرنوش پس از انجام لایه‌نگاری، در سال ۱۳۸۷ به منظور مشخص کردن بافت تاریخی شهر خشتی مکشوف، کاوش‌هایش را ادامه داد و در حین انجام مأموریت دار فانی را وداع گفت.

شازدهمین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی تپه هگمتانه توسط یعقوب محمدی‌فر، استاد دانشگاه بوعلی سینای

است. تاریخ ماد از نظر دین به دو دوره قبل و بعد قرن هفتم پیش از میلاد تقسیم می‌شود.

دین مادها در هزاره اول قبل از میلاد مبتنی بر اعتقاد به خدایان و اسطوره‌های طبیعی بود. دوره دوم مادها دوره مشهور به مغان‌است که تعلیمات زرتشت فراگیر شده است. بحث در مورد مغان و ریشه‌یابی آن بسیار است آنها قومی از قوم‌های مادی بودند که ظاهراً به دین زرتشت روی آورده‌اند و آن را گسترش داده‌اند در زمان مادها یا شاید بسیار پیش از آن زرتشت از میان ایرانیان بر خاست و به دین و آیین قدیمی که از زمان‌های پیش میان این قوم بود پرداخت و خداپرستی را با آیین زرتشت بنیاد نهاد. زرتشت مردم را راهنمایی می‌کرد و اما بزرگان دین کهن با او سر جنگ داشتند و زرتشت ناچار از زادگاه خود به سوی خاور ایران رفت. آنجا فرمانروایی بود به نام ویشناسب یا گشناسب که به دین زرتشت روی آورد و همه مردم را به این آیین دعوت کرد. کم‌کم آیین زرتشت در سراسر ایران رواج یافت و شاید آخرین شاهان خاندان هخامنشی هم آن را پذیرفته بودند. این دین خاص ایرانیان بود و تا ظهور دین مبین اسلام در سراسر ایران کمابیش مورد توجه اقوام مختلف قرار می‌گرفت.

منابع

۱. تاریخ ایران باستان، نوشته حسن پیرنیا، عباس اقبال آشتیانی

۲. تاریخ ده هزار ساله ایران، عبدالعظیم رشایی

۳. تاریخ ایران از آغاز تا سقوط دولت پهلوی، دکتر عبدالعزیز زین‌کوب

۴. تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، رومن گبرسن

۵. تاریخ ماد، کریم کشاورز

| <b>یادداشت</b> |
|----------------|
|----------------|

## مروری بر روند برنامه‌های پژوهشی

محمدرحیم رنجبران

همدان‌پایام:
داستان باستان‌شناسی همدان با ورود اروپاییان و شروع به کار فرانسویان در اقصی نقاط ایران گره خورده است. ژاک دومرگان در سال ۱۸۹۶ میلادر به بررسی ۲۴ روزهای در همدان پرداخت. این بررسی در نهایت به کاوش شارل فوسه در تپه موسوم به قلعه شاه داراب و سرقلعه ششد. وی از ۱۶ آوریل تا ۱۳ اکتبر ۱۹۱۳ میلادی به مدت ۶ ماه با همکاری ویرولویا با هزینه موزه لوور و با نظارت اسماعیل خان، کارشناس ایرانی عتیقات در ۲ نقطه از آن تپه که گمان می‌رفت هگمتانه باستانی باشد، به خاکبرداری پرداخت. امروزه آن دو محل موسوم به چال شترخواب و گودال فرانسوی‌ها در نزدیکی هگمتانه مشخص است. با آغاز جنگ جهانی اول خوشبختانه ادامه کاوش‌ها برای هیأت فرانسوی مقدور نشد. در مورخه ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ شمسی، تپه هگمتانه به شماره ۲۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. اریک اشمیت در سال ۱۳۱۴ عکس‌هایی هوایی از فراز همدان گرفت که نشان‌دهنده یافت فشرده معماری بر روی تپه موسوم به هگمتانه است. پس از آن تا سال ۱۳۴۸ که مرکز باستان‌شناسی ایران به منظور ساماندهی این تپه، مرحوم محمد مهریار را به هگمتانه گسیل داشت.

دانشمندان، مورخان و باستان‌شناسانی که به دوره ماد می‌پرداختند، همیشه از تپه‌ای به عنوان پایتخت مادها نام برده‌اند. مرحوم مهریار با خرید منازل و واحدهای ساختمانی روی تپه تا سال ۱۳۵۵ مبادرت به تخریب آنها نمود و ۲۵ هکتار از اراضی سطح تپه را از بافت محلات و ساختمان‌ها آزاد کرد و زمینه‌ای را فراهم ساخت که چندین سال پس از آن اولین دور کاوش‌های باستان‌شناسی ایرانی در این تپه به سرپرستی دکتر محمدحرم صراف صورت پذیرفت. این باستان‌شناس از شهریور ۱۳۳۲ تا شهریور ۱۳۳۹ توانست ۱۱ فصل کاوش باستان‌شناسی و یک فصل گمانه‌زنی به منظور شناسایی آثار موجود در دل تپه و نیز تعیین عرصه و پیشنهاد حرم تپه هگمتانه را به انجام رساند، و از ابتدای شروع کاوش تاکنون در طی این عملیات میدانی، فضایی بالغ بر یک‌هزار و ۵۰۰ مترمربع از محوطه باستانی هگمتانه، کاوش باستان‌شناسی گردیده است.

حاصل این کاوش‌ها کشف واحدهای مدون و طراحی شده معماری خشتی با حصارهای عظیمی به قطر حدود ۹ متر محاط گردیده است. در این بافت معماری معابر موازی و نقش یکسان معماری به کار رفته و نیز بقایای تأسیسات آبرسانی، بسیار جالب توجه است. کریستف بنش از مرکز تحقیقات علمی فرانسه به پیشنهاد مرحوم دکتر مسعود آذرنوش (ریاست وقت پژوهشکده باستان‌شناسی) از ۲۶ شهریور تا اول مهر ۱۳۸۱ تحقیقات ژئوفیزیک تپه هگمتانه را به انجام رساند. ایشان در گزارش خود ذکر کرده‌اند: به‌رغم پیچیدگی علمی، فرهنگ محوطه تپه هگمتانه، امکان اخذ نتایج مثبت از بررسی ژئوفیزیک وجود دارد.

دور دوم کاوش‌های باستان‌شناسی هگمتانه به سرپرستی مسعود آذرنوش، با هدف رفع ابهام در گمانگاری تپه هگمتانه، طی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ و با ایجاد چند کارگاه لایه شناختی به انجام رسید. وی در سال ۱۳۸۵ به منظور پیشنهاد محل احداث موزه همدان، بخش شمالی تپه، گمانه‌زنی به منظور تعیین حرم تپه را نیز سرپرستی نمود. آذرنوش پس از انجام لایه‌نگاری، در سال ۱۳۸۷ به منظور مشخص کردن بافت تاریخی شهر خشتی مکشوف، کاوش‌هایش را ادامه داد و در حین انجام مأموریت دار فانی را وداع گفت. شانزدهمین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی تپه هگمتانه توسط دکتر یعقوب محمدی‌فر، استادن دانشگاه بوعلی‌سینای همدان، انجام شد. پس از آن علی هژبری در تابستان ۱۳۸۹، به منظور بازنگری در عرصه و پیشنهاد حرایم تپه هگمتانه، در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ دو فصل با هدف پیگیری نحوه تداوم بافت تاریخی هگمتانه به طرف مناطق مسکونی و تجاری شهر در جبهه‌های غرب و جنوب غرب این اثر به کاوش پرداخت.

علی‌رغم تلاش‌های گسترده‌ای که به لحاظ علمی و پژوهشی در محوطه

باستانی هگمتانه صورت گرفته راه درازی تا رسیدن به نتایج قطعی علمی در خصوص این اثر باستانی وجود دارد و اهمیت علمی و تاریخی محوط مذکور مسئولان مینار فرهنگی استان همدان را بر آن داشت تا با غنیمت شمردن مناسب یکصدمین سال آغاز کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر همدان و در هفته پژوهش با برپایی همایش یکروزه باستان‌شناسی هگمتانه، محققان و مورخانی را که در ارتباط با هگمتانه باستانی اقدام علمی و عملی داشته و عقاید و نظراتی هرچند متفاوت دارد را گرد هم بیاورد و با ارائه مقاله آنان در قالب کتابی واحد خدمتی در خور و در شأن این اثر باستانی و مهم کشور نماید. این همایش فرصت مغتنمی را پیش رو می‌گذارد تا بتوانیم از خدمات ارزنده باستان‌شناس ینکسوت کشور که زحمات فراوانی را در کاوش‌های باستان‌شناسی هگمتانه داشته است قدردانی نماییم. این همایش درتاریخ ۲۶ آذرماه جاری در محوطه باستانی هگمتانه برگزار می‌گردد.

باستان‌شناس و مدیر پایگاه هگمتانه

## سیام‌آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

## ترمیم موزه به قدمت همگتانه

ترمیم موزه همدان در سال ۱۳۹۲. در این تصویر، دیوارهای موزه همدان در حال ترمیم است.

می‌شود ولی تاریخ دقیق آن مشخص نیست. طولانی شدن زمان مرمت هم دلیلی جز تمرکز ما بر روی راه‌اندازی مجدد موزه نداشت. مرمت موزه کارهای زیادی دارد و زمان زیادی می‌طلبد. داشتن انتظار سرعت بالا برای مرمت چنین مکان‌هایی انتظاری نابجا است. اما در حال حاضر موزه آماده است و فقط بحث چیدمان و موزه‌آرایی باقی مانده که حساس‌ترین و مهترین بخش کار است.

لیلا خوش‌مو به تغییرات اشاره می‌کند و اضافه شدن یک تالار، چندین ویرین، تعداد زیادی اشیا جدید، پوشش دیوارها، سقف، کف، نورپردازی، سیستم الکترونیکی، اضافه شدن غرفه محصولات فرهنگی و نمای ساختمان را از اصلی‌ترین تغییرات موزه عنوان می‌کند و می‌گوید: قرار است تعدادی اشیا جدید جایگزین بعضی از اشیایی که قبلاً در موزه بود، شوند. تعداد زیادی هم به شمار آنها اضافه می‌شود. آثار فلزی، شیشه‌ای، سکه، سفال، انواع مهرها و اشیای زرین‌فام، با قدمت و تاریخ کشف‌های بسیار جالب است و دوست دارم بدانم زیر پای من هم ادامه شهر تاریخی هگمتانه وجود دارد یا نه. اما چرا اشیایی که از زیر خاک‌ها بیرون می‌آوردن را به نمایش نگذاشته‌اید؟ با انگشت به ساختمان موزه اشاره می‌کنم و می‌گویم: موزه داریم، ولی فعلاً در دست تعمیر است. ظاهراً صحبت‌م را اشتباه دریافت می‌کند و خوشحال می‌شود و می‌گوید: «من ندیدم.» خلاصه متوجهش کردم که در حال حاضر نمی‌تواند ببیند، اما دفعه بعد اگر بیاید موزه‌مان را هم ببیند. خداحافظی می‌کنیم و من به سمت موزه در دست مرمت می‌روم. اطراف آن کسی نیست. از خاک‌های جلوی در پیداست که هنوز تعمیرش به پایان نرسیده و روکارش هم کمی کار دارد. از در اوتوماتیک می‌بازارش وارد سالن می‌شوم. نگاه می‌کنم به داخل می‌اندازم. در دیوار و ویرین‌ها مهر و توتلی خاک گرفته هستند. اما قسمتی از کف زمین کنده شده و چند لوله آب آنجاست.

■ **سایه تعمیرات بر سر موزه**
مرد جوانی نزدیک می‌شود. دلیل حضورم را می‌پرسد در حالی که راه می‌روم و به سه اطراف نگاه می‌کنم تا تغییرات را ببینم، می‌گویم: می‌خواهم با مسئول اینجا صحبت کنم. می‌گوید: کسی نیست، فردا بیا. ظاهراً یک تالار به تالارها اضافه شده و ویرین‌های داخل تالار جدید را هم که می‌شمارم به ۹ عدد می‌رسد. ولی بیش از آن نمی‌گذارد آنجا بمانم. مجبورم خارج شوم. ولی به نظرم می‌آید کف زمین را به خاطر تعویض لوله یا شاید ترکیب‌د یک لاشه آن کنده‌اند. آن شخص هم که جزو کارکنان موزه است جواب سئوالی را نمی‌دهد. بیرون از آنجا ۲ مرد به یکی از آنها خارجی به نظر می‌آید نزدیک می‌شوند. می‌خواهند وارد موزه شوند که همان شخص مانع ورودشان می‌شود و می‌گوید: «موزه در حال مرمت است» مترجم توریست می‌گوید: چطور؟ کمی صبر کنی و می‌شود و ادامه می‌دهد: ۳ ماه پیش هم یک توریست آوردم اینجا همین طوری بود. توریست‌ها می‌خواهند موزه را ببینند. چرا ایقدر طولش می‌دهید؟ می‌پرسم میهمان از کدام کشور آمده؟ می‌گوید: از بلژیک. با هم حال و احوال می‌کنیم اسمش "رایان" است. نگاهش به حیاط کنار ساختمان موزه می‌افتد و وارد حیاط می‌شوند. چند دقیقه بعد بیرون می‌آیند و مترجم در حالی که نمی‌تواند عصبانیت خود را پنهان کند، می‌گوید: "اینجا میراث ماست، چطور آنها را در حیاطی سر باز رها کرده‌اند؟" کمی انتقاد می‌کند و می‌گوید سنگ‌های ترک خورده و پوسته بازدهی‌کنندگان موزه موقت نداریم.

وی هدف از مرمت و ایجاد تغییرات در موزه را رضایت بازدیدکنندگان عنوان می‌کند و معتقد است: تعمیراتی که انجام گرفته برای این بود که در کنار مرمت در دیوار فضای بیشتری برای ارائه اشیا داشته باشیم و نیز بتوانیم اشیایی را به نمایش بگذاریم که تا به حال در هیچ نمایشگاهی به نمایش درنیاآمده‌اند؛ چراکه می‌خواهیم بازدیدکنندگان راضی از اینجا بیرون بروند. موزه هگمتانه یک موزه استانی با موضوع باستان‌شناسی است و اشیایی که در آن به نمایش درمی‌آیند کشف شده از کل استان هستند. او درباره نمایشگاه موقت هم می‌گوید: چون در شهرپورماه مسافران زیادی برای بازدید می‌آمدند، کلیسای آنجلی را با یک سری آثار جدید به مدت یک ماه به موزه موقت تبدیل کردیم. اما در اصلی که در آن هستیم به‌خاطر کم بودن تعداد بازدیدکنندگان موزه موقت نداریم.

به هرحال طولانی شدن زمان مرمت موزه به هر دلیلی، نامرتب بودن محوطه و رها بودن سنگ‌ها -از دسته تحقیقی یا نمایش در فضایی بدون محافظ و موزه‌دار و اطلاعات مربوط به آنها، در هوای سرد و بی روح هگمتانه قطع یقین بر روی اذهان گردشگران بی‌تأثیر نخواهد بود .

■ **گردشگران بی‌نصب رفتند**

یک توریست انتظار دارد با وجود هوای سرد زمستانی همدان وقتی وارد اماکن تاریخی آن می‌شود گرمای وجود داشته‌های تاریخی آن حس شود و به او لذت ناشی از میراث فرهنگی و تاریخی مقصد که در برابر رنج سفر برای رسیدن بخشیده شود . اما از بدو ورود آنچه این روزها در ذهن می‌ماند آشفتنگی محیط و مکان تاریخی‌ای چون هگمتانه است. تصویر مخدوش این تپه باستانی در حالی با برج‌ا است که به نظر می‌رسد تمام گردشگرانی که در ماه‌های اخیر به همدان آمدند از این فضا بی‌نصب بدرقه شدند و در نظر بگیرید شاید دیگر فرصت دوباره برای سفر توریست خارجی به همدان تکرار نشود پس تاریخ همدان و داشته‌های فرهنگی در روزهای بر سفر تابستان ۱۳۹۲ در هگمتانه مغفول ماند.

آثار فوقانی این تپه مربوط به دوره پارته‌ا، لایه میانی از دوره هخامنشی و آثار تحتانی که روی سازه طبیعی تپه بنا شده است از دوره مادها برجای مانده است. این ارگ مهمترین نیایشگاه مادها بوده و عناصر این مجموعه به عنوان نخستین الگوهای معماری ایرانی در فلات قاره ایران از منحصر به فردترین و ارزشمندترین آثار تاریخی کشور محسوب می‌شود.

ایسن بنا بر فراز تپه‌ای به همین نام قرار دارد که در سال ۱۲۴۶ به شماره ۷۳۳ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و در سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۸ را سویی موسسه ایران‌شناسی بریتانیا در دو فصل مورد کاوشهای باستان‌شناسی قرار گرفت که دستاورد فعالیت‌های آن هیأت، شناسایی ۳ دوره معماری باستانی متعلق به ماد، هخامنشی و اشکانی بود.
ارگ تاریخی این آتشکده ۸ ضلعی است و با زاویه ای که در گوشه‌هایی از آن ساخته شده شکل بسیار جالبی را به خود گرفته است.
"اولین نیایشگاه"، "تالار ستون دار" "پادانا"، معبد مرکزی دومین نیایشگاه، اتاقها، ابار، تونل، و حصار و دژ است.

## سیام‌آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

کرم مریم مقدم

همدان پیام : گرامیداشت یکصدمین سالگرد کاوش‌های هگمتانه، فرصتی بی‌بدیل شد برای آنکه به بهانه گفتگوهای رسانه‌ای مروری داشته باشیم بر روزهایی که هر چند غبار گذر ایام بر شانه آنها غلیظ‌تر می‌شود اهمیت آنها هم بیشتر می‌شود.

این روزها بهانه صدساله شدن کاوش‌ها در هگمتانه حضور باستان‌شناسانی را در این عرصه تاریخی رقم زده است که شتیدن حرف‌هایشان هیچ‌گاه خالی از لطف نیست.
علی هژبری دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه تهران در حالی که ۵۰ فصل سابقه کاوش را در رزومه کاری خود ارائه می‌دهد که از جمله باستان‌شناسانی بوده است که در سال‌های حضور مرحوم دکتر مسعود آذرنوش در هگمتانه او را با فعالیت‌های باستان‌شناسی خود یاری می‌رساند.

حالا که ۶ سال از روزهای از دست رفتن استاد آذرنوش می‌گذرد باز هم خود را در رکاب کسب تجربه از وی می‌داند.

هژبری از فصل‌های کاوش هگمتانه و تاریخ حفظ حرم آن در گفتگو با همدان‌پایام می‌گوید: تاریخ هگمتانه با ۳ هزار سال پیش گره خورده است تاریخی که رد پای مدنیت و هویت و رمان ایران زمین است. پس از آنکه هردوت در تاریخ از هگمتانه نوشت و باستان‌شناسی علمی شد برای جستجو کردن شواهد تاریخی لایه‌های تاریخی این تپه تپه طعمه کاوش‌ها شد، کاوش‌هایی که هر قدمش قرار بود به سمت تعیین هویت این خاک در تاریخ درآمیخته برداشته شود.

کنیر، شرق‌شناس انگلیسی در سال ۱۸۷۵ نخستین کسی بود که به پنهان بودن شهر باستانی زیر سطح هگمتانه نوشته‌هایش اشاره کرده است، اما دمرگان (رتیس حرفیات شوش در سال ۱۸۹۶ میلادی) به دنبال بازدید از همدان و یافتن چند مهر استوانه‌ای از هگمتانه به فرانسه باز می‌گردد و پس از مطالعه بر روی آنها بر قدمت هگمتانه و پیشینه تاریخی آن مهر تأییدی می‌زند.

بعد از عمرگان «شارل فوسی» در سال ۱۹۱۲ میلادی از طرف موزه سوری به هگمتانه همدان آمد و کاوشی در گودال معروف به شترخواب که بعدها به گودال فرانسوی‌ها مشهور شد به انجام رساند اما هیچ‌گاه گزارشش از این کاوش‌ها ارائه نشد و مطالعات کالیمر روی مهرهای استوانه‌ای به اثبات رساند این مهرها متعلق به دوران ماد است و اینگونه شد که شارل فوسی در سال ۱۹۱۳ میلادی از طرف موزه لوردر گودال معروف

همدان‌پس‌ام: قدمت ارگ تاریخی نوشیجان که در ۶۰ کیلومتری جنوب شرق همدان و ۲۰ کیلومتری شمال غرب ملایر روی تپه‌ای به ارتفاع ۳۷ متر واقع شده است که به عصر آهن و اوایل استقرار مادها در ایران بازمی‌گردد. ارگ نوشیجان در ملایر عنوان قدیمی‌ترین نیایشگاه خشتی و یکی از قدیمی‌ترین بناهای دنیا را به خود اختصاص داده و چشم انتظار دیدن مسافران است.

آثار فوقانی این تپه مربوط به دوره پارته‌ا، لایه میانی از دوره هخامنشی و آثار تحتانی که روی سازه طبیعی تپه بنا شده است از دوره مادها برجای مانده است. این ارگ مهمترین نیایشگاه مادها بوده و عناصر این مجموعه به عنوان نخستین الگوهای معماری ایرانی در فلات قاره ایران از منحصر به فردترین و ارزشمندترین آثار تاریخی کشور محسوب می‌شود.
ایسن بنا بر فراز تپه‌ای به همین نام قرار دارد که در سال ۱۲۴۶ به شماره ۷۳۳ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و در سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۸ را سویی موسسه ایران‌شناسی بریتانیا در دو فصل مورد کاوشهای باستان‌شناسی قرار گرفت که دستاورد فعالیت‌های آن هیأت، شناسایی ۳ دوره معماری باستانی متعلق به ماد، هخامنشی و اشکانی بود.
ارگ تاریخی این آتشکده ۸ ضلعی است و با زاویه ای که در گوشه‌هایی از آن ساخته شده شکل بسیار جالبی را به خود گرفته است.
"اولین نیایشگاه"، "تالار ستون دار" "پادانا"، معبد مرکزی دومین نیایشگاه، اتاقها، ابار، تونل، و حصار و دژ است.

در این میان تالار ستون‌دار محوطه‌ای است با ۱۲ پایه سنگی و ستونهایی از چوب که از بین رفته‌اند. در اطراف این سالن ساختمانهای کوچکی به شکل اتاق وجود دارند که به ثبت رسید و در سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۸ را سویی موسسه ایران‌شناسی بریتانیا در دو فصل مورد کاوشهای باستان‌شناسی قرار گرفت که دستاورد فعالیت‌های آن هیأت، شناسایی ۳ دوره معماری باستانی متعلق به ماد، هخامنشی و اشکانی بود.
ارگ تاریخی این آتشکده ۸ ضلعی است و با زاویه ای که در گوشه‌هایی از آن ساخته شده شکل بسیار جالبی را به خود آورده است.

در کوچکی از اتاق کوچک کنار آتشکده با پلکان به



## ۱۶ فصل کاوش در یک تپه

دوره هخامنشی است، اما این هگمتانه به دوره ماد هم بر می‌گردد. پس از آن در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ پژوهش لایه‌نگاری باستان‌شناختی به سرپرستی مرحوم دکتر مسعود آذرنوش به انجام رسید.

در این مطالعات آذرنوش صرف‌نظر از لایه‌های سطحی بقیه لایه‌ها و آثار معماری مکشوفه را متعلق به دوره اشکانی دانست و عنوان کرد به احتمال زیاد هگمتانه شهر باستانی دوره اشکانی در همدان بوده است.

پس از آن در سال ۱۳۸۸ شانزدهمین فصل از سومین دوره کاوش‌های باستان‌شناسی هگمتانه گشوده شد و سرپرستی هیأت این فصل کاوش را یعقوب محمدی‌فر برعهده گرفت.

در این فصل سیستم استفاده از آب لوله‌کشی توسط ساکنان تپه هگمتانه نمایان شد. این سیستم با استفاده از کف آجری و سطحی فنیری که روی آن با ملات گلی با کیفیت عالی پوشیده شده بود. پس از آن نیز در سال‌های اخیر فصل دیگری از کاوش‌های هگمتانه توسط محمدرحیم رنجبران که در حال حاضر مدیر پایگاه

محوطه تاریخی هگمتانه هستند به انجام رسیده است. به هر ترتیب هگمتانه به دفتر ۱۰۰۰ برگی می‌ماند که هر برگ آن حاوی داشته‌ها و حرف‌های بسیار گرانمایی است. امید آنکه فصل های کاوش روزی قدمت واقعی این دیار را به اثبات برساند.

## نوشیجان قدیمی‌ترین نیایشگاه خشتی دنیا

دور تا دور قلعه ادامه دارد.

مطالعه وبژپهای خاص معماری این مجموعه که در نوع خود معرف نخستین نمونه‌های الگوهای معماری کشور در فلات ایران از جمله کاربرد طاقهای هلالی و پوشش سقف بصورت گهواره ای، کاربرد مقرنس در تزئین بنا و یکی از نمونه‌های نخستین تالارهای ستون دار در این اثر باستانی راهگشای دانشمندان در شناخت بیشتر از فرهنگ معماری و هنر اوایل دوران تاریخی بوده است. ارگ و تپه تاریخی نوشیجان که قدیمی‌ترین بنای خشتی دنیا محسوب می‌شود، در دور اول سفر هیأت دولت به استان همدان به عنوان منطقه نمونه گردشگری مطرح شده است.

در این خصوص که نوشیجان نیایشگاه خشتی قدیمی‌جهان است، شکی نیست اما کارشناسان هنوز موفق نشده‌اند از بین ارگ به، ارگ نوشیجان و جغ‌انزئیل یکی را به طور قطعه به عنوان قدیمی‌ترین بنای خشتی دنیا برگزینند. محوطه باستانی نوشیجان با شماره ۷۳۳ در سال ۱۳۴۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

منبع : کتاب تاریخ و فرهنگ ایران زمین سایت پژوهشکده باستانشناسی

# گنج‌های تاریخی!



مَنوچهراحقر

**همدان**پسایم: هگمتانه یا هگمتانه‌که به معنی محل تجمع می‌باشد ترکیبی است از دو واژه «هگن» به معنی «جا» و «منا» به معنی «تجمع». اسم این شهر برای نخستین بار امدانه در کتیبه «تِگلات پیلسر» پادشاه آشور آمده است. در یونان، اکباتان و در پارسی باستان، هگمتانه است.

نخستین اشاره‌ای که به نام هگمتانه شد در متون بابلی بوده است که در آن شرح بر افتادن پادشاهی بابل به دست کوروش به دوم پارسی (۵۵۰ ق.م) آمده است. بابلیان در آمدن کوروش به اگمتو را ثبت کرده‌اند؛ اما نام هگمتانه در متون آشوری نیامده است و ظاهراً به این علت بوده است که با تأسیس پادشاهی متحد ماد و به پایتختی برگزیده شده کارکشی تحت نام جدید هگمتانه، دست آشوریان از این مناطق کوتاه شد. بنابراین آشوریان عملاًش اشارتی به پایتخت ماد ندارند.

مورخ دیگری چون کزریاس که از ۴۱۶ تا ۳۹۸(ق.م) پزشک دربار ایران بوده است درباره شهر هگمتانه ره افسانه را پیموده است او ساخت شهر هگمتانه را به سمیرامیس ملکه افسانه‌ای آشور منسوب کرده که در ۱۵۰۰ سال پیش از وی می‌زیسته است.

او می‌نویسد: «هنگامی که سمیرامیس به هگمتانه آمد در جلگه‌ای پست و هموار کاخی ساخت که بیش از هر کاخ دیگری که در جاهای دیگر بنا کرده بود به آن توجه کرد. کزریاس همچنین می‌نویسد که به دستور سمیرامیس نه‌ری از کوه الوند تا همدان کشاند. درخصوص بنای شهر هگمتانه هرودوت می‌نویسد: پس (دئیوکس) شهر اکباتان را ساخت که باروهای آن سستبر و استوارند و گرد بر گرد فرازیده‌اند. طرح کاخ چنان است که هر یک از باروها تنها به اندازه کنگره‌هایش از دیگری بلندتر است. طبیعت زمین که تپه مناسبی است این ترتیب را تا حدی مساعدت کرده و هفت بار و گرداگرد کاخ وجود دارد. کاخ شاهی و گنجینه‌ها درون واپسین باروست. کنگرها به ترتیب سید، سیاه، سرخ، نیلگون و نارنجی است، اما دو باروی دیگر، کنگره‌های تفرهای و زراذندوست.

# سیام‌آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

شده مهرهای استوانه‌ای که او یافته بود مربوط به دوره اکد (نیمه دوم هزاره سوم ق.م) تا پایان دوره آشور نو در روزگار مادها تاریخ‌گذاری شده بودند. در سال ۱۹۱۳ هیأتی به سرپرستی شارل فوسی از سوی وزارت فرهنگ عامه فرانسه به همدان اعزام شد. او به همدان آمد و با همکاری دکتر اسماعیل خان کارشناس ایرانی عتیقات و نماینده دولت ایران شروع به حفاری کردند. حفاری‌های متفرقه‌ای انجام شد. آنها از تپه مصلی مقدار زیادی آجرهای لعاب‌دار بدست آوردند. او از حفاری‌های سرقلعه چیز زیادی نیافت. سطح تپه مللو از خانه‌ها و کوره‌های آجرپزی بود. سپس او در تپه هگمتانه (امروزی) واقع در انتهای خیابان اکباتان شروع به حفاری کرد ولی چیزی نیافت. امروزه در تپه هگمتانه هنوز می‌توان دو گودی بزرگ را مشاهده کرد که به آن گودی یا چاله فرانسوی‌ها می‌گویند. البته فوسی هیچگاه نتیجه مطالعات خود را منتشر نکرد.

پس از تأسیس مرکز باستان‌شناسی ایران در سال ۱۳۴۹ خورشیدی هیأتی به سرپرستی مهندس مهریار در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ مأمور ساماندهی و آماده‌سازی محوطه برای آغاز برنامه بلندمدت به همدان آمد. این هیأت مطالعات بسیار ارزشمندی درباره محوطه تپه به عمل آورد. این مطالعات نشان داد که جلای از مساحت محدوده فعلی تپه هگمتانه که در حدود ۲۸ هکتار است و تنها شامل بخشی از شهر باستانی می‌شود، مساحت شهر هگمتانه تا باروها تیزی در حدود ۴۰ هکتار و با توجه به خاک‌ریز گسترده باروها و صفحه‌سازی‌های باستانی و نیز خندق پیرامونی شهر، مساحت محدوده نهایی نزدیک به ۵۰ هکتار خواهد بود. حصار باستانی شهر از خشت بوده است. خشت‌های بدست آمده در ابعاد ۱۵×۳۷/۵×۳۷/۵ سانتیمتر است.

اگر چه شواهد موجود دلیلی بر اظهارنظر قطعی نیست، ولی نمی‌توان عینیت خاک بکر و نخستین اقدامات ساختمانی را با خشت‌های ۱۵×۳۳/۵×۲۳/۵ و قرابت آن را با معماری دوره هخامنشی نادیده انگاشت.

پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ و مطرح شدن نیازهای فرهنگی جدید، تپه هگمتانه که مدتی وانهاده شده بود، مورد توجه قرار گرفت. طرح تأسیس یک مجموعه فرهنگی با واحدهای همچون موزه، کتابخانه، پارک باستان‌شناسی در کنار کارگاه‌های کاوش باستان‌شناسی مورد توجه واقع شد. به همین منظور هیأتی در مردامده سال ۱۳۶۱ به سرپرستی دکتر محمدمرحوم صراف از طرف مرکز باستان‌شناسی ایران به همدان اعزام شد و کاوش‌ها به مدت دو ماه ادامه یافت. در جبهه شمال شرقی تپه بخشی از مصطفی (تخنگاه) مربوط به روزگار هخامنشیان آشکار شد و معلوم شد که در اینجا بسر روی بقایای دیوارهای عظیم خشتی و دیگر بخش‌های معماری دوره مادها، هخامنشیان پایتخت تابستانی خویش را برپا داشته‌اند.

نخستین کسی که گمان برد شهر باستانی هگمتانه در زیر شهر همدان امروزی پنهان است،جهانگرد انگلیسی مک‌دوناله کنیر بود. پس از او جهانگرد دیگر انگلیسی به نام بوکینگهام، همدان را هگمتانه باستان شناخت، اما در کهن بودن آن افرای کرد و قدمت آن را برابر ۲۰۰۰ هزار سال (ق.م) دانست. پنهان ماندن شهر باستانی زیر شهر همدان کنونی و بی‌اطلاعی از آن سبب شد که برخی در جایگاه هگمتانه شک کنند. سهرتی راولینسون اعتقاد داشت که اکباتان همان تخت سلیمان کتاب است که البته آنگاره وی پیروان چندانی پیدا نکرد و مورد تأیید واقع نشد. ابو جکسن ایران‌شناس برجسته پس از بازدید از همدان در سفرنامه خود تپه مصلی را از یک باستانی هگمتانه دانست.

همچنین هرتسفلد باستان‌شناسی معروف معتقد بود که تپه مصلی همان ارگ باستانی هگمتانه است. اما او بعداً براساس پژوهش‌های باستان‌شناختی فهمید که تپه مصلی صخره‌ای طبیعی است که بر فراز آن دژ یا نیایشگاهی برپا بوده است که آن بنا را شهرداری همدان ظرف چند سال اخیر به کلی از بین برده است.

برخی معتقدند که محله سرقلعه همدان و بخش مرتفع آن که نزد عامه همدانیان قلعه شاه داراب خوانده می‌شود، تپه هگمتانه است. این موضوع تا بدانجا پیش رفت که این تپه به سقف‌ها و ستون‌های رواق‌ها و سر ستون‌ها و ورقه‌های سیم یا زر پوشش یافته، در حالی که همه آجرها (سفال‌ها) از نقره بوده است. بیشتر اینها را در هنگام بازدید کرد و مقداری از اشیاء تاریخی و فرهنگی را با خود به فرانسه برد. بعدها مشخص

# سیام‌آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

قرابت قدمت آن با خشت‌های نرع اول تپه هگمتانه می‌تواند نشانگر وجود دوره هخامنشی بر روی آثار هزاره اول در «تپه پیسا» و نقطه عطفی در تغییر محل شهر مادی از این تپه به شهر هخامنشی (تپه هگمتانه امروزی) به شمار می‌رود. ایسن احتمال وجود دارد که محوطه باستانی تپه پیسا در ۲۵۰۰ متری شمال غربی تپه هگمتانه قرن‌ها قبل از پیدایش و شکل‌گیری تپه هگمتانه مورد استفاده ساکنان منطقه بوده است. با توجه به فاصله موجود این دو تپه به نظر می‌رسد که تپه هگمتانه که به کوه‌های الوند نزدیک‌تر و در نتیجه از لحاظ ارتفاع از تپه پیسا بلندتر است محل کاخ‌های پادشاهان بوده و تپه پیسا بقایای شهری است که در کنار کاخ‌ها برپا شده است. تپه پیسا در گذشته‌های نه چندان دور مدتی مأمن گروهی از جدایمان همدان بوده است که چون از شهر رانده شده بودند در این محل اسکان داده شدند و نام «پیسا» که از آن زمان بدین محل اطلاق شده از نام بیماری «پس» یعنی جزام گرفته شده است. این محل نام دیگری هم دارد که روستاییان محلی آن را «اروس باغ» یعنی باغ روسی یا روس‌ها می‌خوانند. این همان محلی است که فوسی در آن اقدام به حفاری کرد.

■ اشیاء پیدا شده در تپه هگمتانه

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان های باستانی

| ردیف | مشخصات اثر                                                 | محل نگهداری فعلی              |
|------|------------------------------------------------------------|-------------------------------|
| ۱    | <b>لوح زرین بنام آریارمنه</b>                              | <b>موزه برلن</b>              |
| ۲    | <b>لوح زرین بنام ارشام</b>                                 | <b>مجموعه مارسل ویدال</b>     |
| ۳    | <b>لوح زرین بنام داریوش</b>                                | <b>موزه کاخ مرمر</b>          |
| ۴    | <b>لوح سیمین بنام داریوش</b>                               | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۵    | <b>لوح زرین بنام اردشیر دوم</b>                            | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۶    | <b>لوح زرین بنام داریوش دوم</b>                            | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۷    | <b>لوح زرین بنام داریوش دوم</b>                            | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۸    | <b>نوشته بنام اردشیر دوم</b>                               | <b>مجموعه شخصی انگلستان</b>   |
| ۹    | <b>پایه ستون بلند اردشیر دوم</b>                           | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۱۰   | <b>بشقاب نقره برجسته اردشیر اول</b>                        | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۱۱   | <b>بشقاب نقره بنام اردشیر</b>                              | <b>موزه سروپولتین نیویورک</b> |
| ۱۲   | <b>کوزه بنام خشایارشا</b>                                  | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۱۳   | <b>نشان هفت ضلعی دوشیر (مطلا)</b>                          | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۱۴   | <b>چهار نقش برجسته شیر</b>                                 | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۱۵   | <b>سه نقش برجسته شیر</b>                                   | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۱۶   | <b>سر و گردن شیر</b>                                       | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۱۷   | <b>گردن بند و دور گردنبند (مطلا)</b>                       | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۱۸   | <b>۵ عدد گوشواره هلالی شکل</b>                             | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۱۹   | <b>حلقه پست کوچک</b>                                       | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۰   | <b>پیست و سه حلقه کوچک با مهره‌های طلا</b>                 | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۱   | <b>سه مهره کوچک استوانه‌ای</b>                             | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۲   | <b>نقش سر شترمرغ</b>                                       | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۳   | <b>قطعه طلای چهار ضلعی</b>                                 | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۴   | <b>خار مطلا مرکب از ۱۲ مثلث کوچک</b>                       | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۵   | <b>نقش برجسته گل زنبق</b>                                  | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۶   | <b>نشان یا مهره وسط گردنبند</b>                            | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۷   | <b>نقش برجسته گل دایره یا ۱۶ برگ</b>                       | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۸   | <b>آویز طلا به شکل گلدان</b>                               | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۲۹   | <b>گل هشت پر کوچک</b>                                      | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۳۰   | <b>مجسمه سر بز کوهی</b>                                    | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۳۱   | <b>مهره گرد کوچک</b>                                       | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۳۲   | <b>مهره دایره شکل با نقش شاه هخامنشی</b>                   | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۳۳   | <b>آویز کوچک با نقش سر انسان</b>                           | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۳۴   | <b>آویز شبیه بدنه زنگ</b>                                  | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۳۵   | <b>قطعه‌ای از یک سمت لولا</b>                              | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۳۶   | <b>ورقه کوچک بدون نقش</b>                                  | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۳۷   | <b>نقش برجسته گاو بالدار با سر انسان و تاج</b>             | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۳۸   | <b>نقش برجسته گاو بالدار با سر گاو</b>                     | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۳۹   | <b>دو مجسمه شیر</b>                                        | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۰   | <b>مجسمه سر و گردن بز کوهی</b>                             | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۱   | <b>نقش گرد کوچک با تصویر شاه</b>                           | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۲   | <b>نقش برجسته سر بز کوهی</b>                               | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۳   | <b>نقش سر مرغ افسانه‌ای شاختار</b>                         | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۴   | <b>نیمه نقش برجسته شیر بالدار</b>                          | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۵   | <b>نقش برجسته شیر نر</b>                                   | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۶   | <b>قلاب کمر با نقش برجسته شیر</b>                          | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۷   | <b>دو شاخه طلا برگ میوه انار</b>                           | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۸   | <b>انگشت‌ر بدون نگین</b>                                   | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۴۹   | <b>زنجیر قیطانی</b>                                        | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۵۰   | <b>سه آویز گردنبند با نقش مرغ بالدار (اشکائی)</b>          | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۵۱   | <b>سر مجسمه سنگی (اشکائی)</b>                              | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۵۲   | <b>کوزه سفالی (اشکائی)</b>                                 | <b>موزه ایران باستان</b>      |
| ۵۳   | <b>کاسه با نوشته به سه زبان مربوط به داریوش اول</b>        | <b>گورگیان، نیویورک</b>       |
| ۵۴   | <b>خنجر طلا با سردار مجسمه شیر (اشکائی)</b>                | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۵۵   | <b>بشقاب طلا با نقش عقاب</b>                               | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۵۶   | <b>دو سر برنزی (کشف اطراف همدان قرن ۱۲ تا ۱۳ ق.م)</b>      | <b>مارسل ویدال</b>            |
| ۵۷   | <b>قطعه سنگ تراشیده (کشف اطراف همدان قرن ۱۲ تا ۱۳ ق.م)</b> | <b>مارسل ویدال</b>            |

وجود قطعه‌های کوچک از شالی ستون بر سطح تپه پیسا و

## یاد آذرنوشی همیشه با تاریخ هگمتانه است

فقط جامعه‌ی باستان‌شناسی آذرنوش را از دست داد، بلکه فرهنگ و تمدن ساسانی نیز او را از دست داد، زیرا آذرنوش دایره‌المعارف جامعه‌ی در زمینه‌ی باستان‌شناسی دوره‌ی ساسانی و حتی دوره‌ی اشکانی بود.

مرادی اظهار داشت: آذرنوش دانشمندی خردگرا بود که اشتیاق پرشوری برای آگاهی از دیدگاه‌های علمی دیگران داشت و همیشه می‌گفت، باید بیاموزیم و بیاموزانیم. این باستان‌شناس مظهر بارز یک محقق آکادمیک در بحث‌های تئوری و عملی بود. آذرنوش با وجود اینکه به چند زبان مسلط و آشنا بود، فارسی را به درستی صحبت می‌کرد و در میان صحبت‌هایش کلمات بیگانه به کار نمی‌برد. پارسی‌گویی او زبان‌زد خاص و عام بود و به معنای واقعی به ایران عشق می‌ورزید.

یاقوب محمدی‌فر که در سال ۱۳۸۸ سرپرست هیأت کاوش‌های باستان‌شناسی تپه هگمتانه بود نیز یک سال مدیریت پژوهشکده باستان‌شناسی، کنار گذاشته شد. ۵ سال ناشکوهر برای دستگاهی که تاریخ ایران را از دل روزگاران دور استخراج می‌کند. از آن پس بود که باستان‌شناسی ایران کیفیت خود را از دست داد و هرچند آذرنوش ۲ سال دیگر در خدمت باستان‌شناسی ماند، درس داد و پژوهش کرد، اما مرگ وی بر آذرنوش باستان‌شناسی و جامعه علمی ایران تأثیر گذاشت.

آذرنوش از استادان و پژوهشگران سرشناس باستان‌شناسی ایران و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دانشگاه تهران بود. در سال ۱۳۶۸ از دانشگاه کالیفرنیا دکترای باستان‌شناسی گرفت. در زمان ریاست خود در پژوهشکده باستان‌شناسی تغییرات اساسی انجام داد که سبب پیشرفت و بهبود باستان‌شناسی کشور ایران شده است.

در واپسین سال‌های عمر خود مطالعات ویژه‌ای روی تپه هگمتانه همدان انجام داد که منجر به نقض برخی نظریات کارشناسی درباره این محوطه باستانی شد. پیش از آن گفته شده بود که تپه هگمتانه همان پایتخت معروف مادهاست که البته در کتاب‌های تاریخی یونانی بخصوص هرودت از آن یاد شده‌است.

■ **آذرنوش تاریخ هگمتانه را تغییر داد**

مرحوم آذرنوش در آن سال‌ها مطالعه روی سفال‌های به دست آمده از هگمتانه را بر عهده من سپرد و از آن زمان مطالعات گسترده‌ای را آغاز کردیم. این مطالعات نشان داد که سفال‌ها در نهایت به دوره سلوکیان مربوط می‌شوند.

آذرنوش با انجام این مطالعات یکی از نظرات مهم باستان‌شناسی را نقض کرد. او با شجاعت این کشف تازه را پذیرفت و هرچند می‌دانست مشکلات زیادی پس از طرح آن دارد، اما برای ارتقای علم و باستان‌شناسی ایران آن را مطرح کرد و بسرای آن جنگید. به گفته هژبری،

سفال‌های برای آزمایش‌های دقیق راهی آزمایشگاه شدند، اما جواب همان بود که به دست آمد و هگمتانه به دوره مادها تعلق نداشت.

آذرنوش مهم است چون متدهای جدید باستان‌شناسی را وارد پژوهشکده باستان‌شناسی ایران کرد. متدهایی که باستان‌شناسی ایران را از رکود درآورد. وی یاد داد که فقط داده‌های باستان‌شناسی سخن می‌گویند و ما نباید به دلایل مختلف از حقایق علمی فرار کنیم.

■ **آذرنوش از نگاه باستان‌شناسان**

یوسف مرادی که سال‌های زیادی از همراهان نزدیک و صمیمی آذرنوش بوده است، یک سال پس از فوت کردن آذرنوش به ایسنا گفته است: او زندگی را چنان می‌زیست که هر دیدار و اتفاقی را هرچند کوتاه و گذرا، به خاطره‌ای سرشار و ماندگار بدل می‌کرد. معتقدم نه